



روی خط خبر

نوجوانی «سلمان فارسی» جلوی دوربین میرباقری

با پایان بخش هایی از فیلم برداری مربوط به دوران نوجوانی «سلمان فارسی» در شهرک سینمایی غزالی، گروه تولید این مجموعه راهی منطقه آبسرد دماوند شدند تا کار را در لوکیشن های جدید ادامه دهند. در این مرحله نیز صحنه هایی از نوجوانی و جوانی سلمان در شهر تاریخی جی مقابل دوربین خواهد رفت. / **ایسنا**

«صیاد» در اکران آنلاین



فیلم سینمایی «صیاد» به کارگردانی جواد افشار، از چهارشنبه ۱۵ مرداد، به صورت آنلاین، در نمایش خانگی اکران می شود. «صیاد» به تهیه کنندگی محمدرضا شفیعی، برشی از زندگی سپهبد شهید صیاد شیرازی است که از فردا، ساعت ۸ صبح، اکران آنلاین آن به صورت اختصاصی در فیلمبو آغاز می شود. علی سربازی در این فیلم نقش شهید صیاد شیرازی و مارال بنی آدم نقش همسر او را ایفا می کنند. هومن برقی نورد، نادر سلیمانی، محمدرضا هدایتی، ایوب آقاخانی، خیام وقارکاشانی، حامد شیخی، رز رضوی و... نیز از دیگر بازیگران این فیلم هستند. / **ایرنا**

استقبال گسترده هنرمندان از فراخوان روایت جنگ تحمیلی ۱۲روزه

ماهان صیادی، دبیر رویداد «برای ایران» از استقبال چشمگیر هنرمندان، مستندسازان، نویسندگان و علاقه مندان به هنرهای روایت محور خبر داد و اعلام کرد، تاکنون بیش از ۳۰۰ اثر از سراسر کشور به دبیرخانه این رویداد ملی رسیده است. رویداد ملی «برای ایران» با هدف بازخوانی پیام ایستادگی و همدلی مردم ایران در جریان جنگ تحمیلی ۱۲روزه، در قالب فراخوانی هنری و رسانه ای در حال برگزاری است. / **مهر**

۲ فیلم ایرانی، میهمان سینماهای کن

«لودی» به تهیه کنندگی و کارگردانی بهروز سبطرسول و «دختر» ساخته رضا میرکریمی، در برنامه رسمی (کن سینما) با تمرکز بر سینمای ایران) که بخشی از فصل سینمایی ۲۰۲۴-۲۰۲۵ شهر کن است، در تاریخ ۱۸ سپتامبر (۲۷ شهریور) به نمایش درمی آید. / **ایسنا**

اجرای «مریخی ها مامان می خوان» در تالار هنر



نمایش کودک و نوجوان «مریخی ها مامان می خوان» به نویسندگی و کارگردانی محمد عبدی جمالی و تهیه کنندگی مجید قناد از چهارشنبه (۱۵ مرداد) ساعت ۱۷:۳۰ در تالار هنر به صحنه می رود. این نمایش با بهره گیری از تکنیک های تئاتر درمانی و نگاه های تربیتی به مفهوم خانواده، همدلی، مسئولیت پذیری و ارتباطات انسانی، تلاش می کند به رشد اجتماعی و عاطفی کودکان کمک کند. «مریخی ها مامان می خوان» در فضایی سرگرم کننده و تخیلی، کودکان را به دنیایی متفاوت می برد تا در دل ماجراهای هیجان انگیز، مفاهیم مهم تربیتی را تجربه کنند. این اثر که حاصل سال ها تجربه محمد عبدی جمالی در حوزه تربیت و آموزش کودکان است، به عنوان یک ابزار آموزشی و فرهنگی ظرفیت همکاری با مدارس، مراکز مشاوره، نهادهای تربیتی و فعالان حوزه کودک را دارد و می تواند تأثیرات ماندگاری در یادگیری و رشد روانی کودکان بر جا بگذارد. / **ایرنا**

یک تحلیلگر سینما به تشریح حواشی و ریشه های مخالفت ها با فیلم جدید اکتای براهنی پرداخت

فیلم «پیر پسر» فرصتی برای ترایی خودمان است



از هم پاشیدن بنیان خانواده ها شود، نمی تواند به تنهایی آنها را نجات دهد اما می تواند مسأله را قابل دیدن کند یا تلنگری برای فهم ریشه های بحران و گاهی حتی شروعی برای گفت و گو شود. برای واکاری تأثیرات واقعی آثار هنری بر روان جمعی، نسبت میان روایت و مسئولیت اجتماعی، و خطر فراقتنی مسئولان در قبال بحران هایی که سال هاست شکل گرفته اما دیده نشده اند، با بهنام شریفی، تحلیل گر سینما و روان شناس تحلیلی، گفت و گو کردیم. او معتقد است هنر، از جمله سینما، محصول زیست اجتماعی است و اتفاقا می تواند در مواجهه با بحران ها، نقش روشننگر و حتی درمان گر داشته باشد.

فیلم منتهم نیست، آینه است

شریفی در ابتدای گفت و گو با اشاره به خاستگاه اجتماعی هنر می گوید: «هنر تقلیدی از واقعیت است و خودش یک واقعیت ثانویه ایجاد می کند که ما در آینه هنر دوباره خودمان را پیدا کنیم. هنر، از جمله سینما، در خلأ شکل نمی گیرد. فیلم ها بازتابی از واقعیت اند اما اگر نگاهی به بخش عمده آثار کمدی در سینمای امروز بیندازیم، می بینیم اتفاقاً بسیاری از آنها هیچ نسبتی با زیست اجتماعی ما ندارند. پر از شوخی های جنسی و سطحی اند و اتفاقاً اگر دوستان ممیزی خواهند جلوی اثری بایستند همین آثار هستند. اما همین فیلم های بی ربط، نه خطری تلقی می شوند و نه

مورد اعتراض قرار می گیرند.» این تحلیل گر سینما با اشاره به اینکه رصد اخبار صفحات اجتماعی و حوادث خود به تنهایی گویای بسیاری از مشکلات است، بر لزوم تلنگرهای قوی تر تأکید می کند. به باور او، نسبت میان سینما و جامعه یک طرفه نیست: «سینما هم از جامعه تأثیر می گیرد و هم می تواند در مسیر شناخت، پرسش و ترمیم نارسایی ها اثر بگذارد. اما اینکه ادعا شود یک فیلم به تنهایی عامل فروپاشی خانواده ها یا فساد اخلاقی است، نه از منظر فرهنگی پذیرفتنی است، نه از منظر روان شناسی.» شریفی در ادامه، به درجه بندی سنی فیلم هایی چون «پیر پسر» به عنوان سازوکاری برای مدیریت حساسیت های احتمالی اشاره می کند و در عین حال یادآور می شود که سینمای ایران در گذشته بارها فرصت گفت و گو و پیشگیری اجتماعی را با برخورد های شتاب زده با فیلم های آسیب محور چون «پیر پسر» به عنوان سازوکاری برای مدیریت کینوش عیاری و پیش از آن «عروس آتش» خسرو سبتایی، سال ها پیش هشدارهایی را درباره برخی مناسبات و خشونت های خانگی مطرح کردند که اگر همان موقع دیده و فهمیده می شدند، شاید در شهرهایی که هنوز برخی روابط تعصب آلود قربانی می گیرند، امروز شرایط متفاوتی داشتیم. پرسش من این است: واقعاً چه حجمی از خشونت می تواند در یک فیلم به نمایش درآید که از حجم آن در صفحات حوادث بیشتر باشد؟

سینما، فرصتی برای پالایش روان

شریفی معتقد است که سینمای جدی، اگر درست دیده شود، می تواند کارکردی روان درمانگرانه نیز داشته باشد. او به مفهوم «کاتارسیس» یا الایش در روان کاوی اشاره می کند: «ما در مواجهه با درام های قدرتمند و در تقایب با شخصیت ها مفهوم همدات پذرداری را تجربه می کنیم. از بعضی شخصیت ها متفر می شویم، از بعضی خوشامان می آید و در نهایت شروع می کنیم به اندیشیدن درباره خودمان. به فکر کردن که الان من کدام یک از این شخصیت ها هستم؟ چرا فلان شخصیت را دوست داشتم؟ چرا از فلان شخصیت تنفر داشتم و این حس ها و سؤال ها باعث می شود به خودمان برگردیم و این روند به نوعی ترائی است. این یعنی سینما می تواند به شکل غیرمستقیم، ما را با خودمان روبه رو کند.» او حتی از تجربه تماشای «پیر پسر» در سالن سینما می گوید: «در چهار باری که فیلم را دیدم، در هر نوبت بالای ۸۰ درصد تماشاگران تا دقایقی بعد از پایان فیلم روی صندلی ها مانده بودند. این به خاطر انرژی حسی عجیبی است که فیلم منتقل می کند. فیلمی که سه ساعت طول می کشد، اما نه خسته می کند و نه تمام می شود. چون در ناخودگاه مخاطب ریشه می دواند.»



اولین موسیقی های نمایشی از جنس موسیقی فیلم و موسیقی تئاتر در نظر گرفت چرا که از زمانی که تعزیه بوده و فرهنگ عزاداری امام حسین (ع) وجود داشته است، موسیقی به نوع این خاص از نمایش هم سنجاق شده بوده. موسیقی آمده بوده تا مثل موسیقی فیلم و نمایش امروزی، به روند

انکار: واکنش پیش فرض همان طور که شریفی اذعان دارد، آثار با ارزش هنری آینه ای از واقعیت های جامعه اند، اما مسأله اینجاست که عده ای آن را عامل بروز همان آسیب ها می دانند. این جابه جایی نقش «بازتاب دهنده» و «بازتولید کننده» آسیب در ذهن برخی از ما از چه مکانیزم روانی یا فرهنگی ناشی می شود؟ شریفی پاسخ می دهد: گاهی یا نمی خواهیم واقعیت ها را ببینیم، یا آگاهانه می کوشیم بخشی از آن را تظہیر کنیم؛ و چون تاب رویارویی با حقیقت را نداریم، به مکانیزم انکار پناه می بریم و این، جز افزودن بر تیرگی، حاصلی ندارد.»

او به پدیده تعمیم های شناختی هم اشاره می کند: «درک ناقص از نماد و استعاره، نبود سواد سینمایی و تعمیم نادرست نمونه ها در مواردی، باعث می شود برخوردها احساسی و سطحی باشد. خاطرم هست در زمان اکران فیلم «شوکران»، جامعه پرستاران معترض شدند که تصویر پرستار مخدوش شده، در حالی که در بخش دوم فیلم، شخصیت سیما ریاحی دقیقاً به عنوان زنی تنها و آسیب دیده ترسیم می شود.»

به باور او، بدون حضور مشاوران و منتقدان آگاه در نهادهای تصمیم گیر، سوء برداشت از آثار هنری اجتناب ناپذیر خواهد بود: «ما به کارشناسی نیاز داریم که بتوانند لایه های روان شناختی، نمادین و روایی آثار را درست تفسیر کنند. وگرنه همیشه با موج هایی از تفسیرهای شخصی و تحریف شده مواجه خواهیم بود.»

یک فیلم، یک مسئولیت

به باور شریفی، فیلم هایی مانند «پیر پسر» نه تهدید، بلکه فرصت اند: «فیلم به مخاطب خود گفت و گو می کند و او را با تضادهایش روبه رو می سازد. شخصیت غلام باستانی (با بازی درخشان حسن پورشیرازی) ممکن است در نگاه اول منفور به نظر برسد، اما حضور او ضروری است تا قهرمان داستان (علی، با بازی حامد بهداد) به آگاهی برسد. مسیر فیلم، در واقع مسیر آگاهی جمعی است. فیلم ابتدا ما را با این واقعیت روبه رو می کند که در پیشگاه خودمان مسئولیم، و سپس، به سمت مواجهه ای درونی با گذشته و آن بخش های قلب و حل نشده روان مان سوق می دهد. درست است که پایان، تلخ و ترازیک است، اما والایی آن در این است که تماشاگر را وادار به تأمل می کند: جایی که هر کدام از ما می توانیم خود را به جای یکی از چهار کاراکتر اصلی بگذاریم و تضادها و تناقض های این کاراکتر را که در روان فردی و جمعی مان وجود دارد، بازشناسیم. فیلم، در نهایت، این آینه را پیش روی ما می گذارد: تو مسئول خودت هستی و مسئول هستی در برابر گذشته و در قبال آینده.»

او تأکید می کند: «نمی توان با تفسیرهای سطحی و ساده انگارانه به چنین آثاری پاسخ داد. هر فیلمی، بویژه آثاری که تم اجتماعی و روانی دارد، نیازمند درک زمینه ای و تحلیل چندلایه هستند. اینکه بگوییم «به پدر توهین شده» یا «فیلم مروج می بندوباری است» نه تنها ساده سازی خطرناکی است، بلکه مانع دیده شدن حقیقت می شود. درست است که «پیر پسر» اثری نمادگراست، اما در عین حال باید از افراط در تفسیرهای نمادین پرهیز کرد. برخی دوستان آن قدر در پی نمادسازی های عجیب و غریب اند که هر شخصیت را بدل به معادلی برای فلان فرد یا فلان جریان می کنند. با داستان یک خانه طرف هستیم و پدر و دو پسر که با هم مسأله و تضاد دارند.»

در پایان، شریفی هشدار می دهد که نادیده گرفتن ظرفیت های فرهنگی و هنری، خود به عاملی برای تشدید آسیب ها بدل می شود: «بینیبد، زاینده رود برای مردم اصفهان فقط یک رودخانه نبود، مجالی بود برای تخلیه روانی، پناه آب و آثار هنری، بویژه موسیقی. به اعتقاد من با خشک شدن آن بستر طبیعی و فرهنگی، نوعی آزرگی در روان جمعی پدید آمد و دیدیم که بحران هایی نیز در پی آن رخ داد. حرم این است که هنر مثل زاینده رود است. اگر سرچشمه و جریان هنر را قطع کنیم، روان جامعه خشک می شود، ریشه عمده بزهکاری ها در نبود تخلیه روانی، گفت و گو و آگاهی است.»



سینما هم از جامعه تأثیر می گیرد و هم می تواند در مسیر شناخت، پرسش و ترمیم اثر بگذارد. اما اینکه ادعا شود یک فیلم به تنهایی عامل فروپاشی خانواده ها یا فساد اخلاقی است، نه از منظر فرهنگی پذیرفتنی است، نه از منظر روان شناسی

مورد اعتراض قرار می گیرند.» این تحلیل گر سینما با اشاره به اینکه رصد اخبار صفحات اجتماعی و حوادث خود به تنهایی گویای بسیاری از مشکلات است، بر لزوم تلنگرهای قوی تر تأکید می کند. به باور او، نسبت میان سینما و جامعه یک طرفه نیست: «سینما هم از جامعه تأثیر می گیرد و هم می تواند در مسیر شناخت، پرسش و ترمیم نارسایی ها اثر بگذارد. اما اینکه ادعا شود یک فیلم به تنهایی عامل فروپاشی خانواده ها یا فساد اخلاقی است، نه از منظر فرهنگی پذیرفتنی است، نه از منظر روان شناسی.»

فیلم منتهم نیست، آینه است

شریفی در ابتدای گفت و گو با اشاره به خاستگاه اجتماعی هنر می گوید: «هنر تقلیدی از واقعیت است و خودش یک واقعیت ثانویه ایجاد می کند که ما در آینه هنر دوباره خودمان را پیدا کنیم. هنر، از جمله سینما، در خلأ شکل نمی گیرد. فیلم ها بازتابی از واقعیت اند اما اگر نگاهی به بخش عمده آثار کمدی در سینمای امروز بیندازیم، می بینیم اتفاقاً بسیاری از آنها هیچ نسبتی با زیست اجتماعی ما ندارند. پر از شوخی های جنسی و سطحی اند و اتفاقاً اگر دوستان ممیزی خواهند جلوی اثری بایستند همین آثار هستند. اما همین فیلم های بی ربط، نه خطری تلقی می شوند و نه

سینما، فرصتی برای پالایش روان

شریفی معتقد است که سینمای جدی، اگر درست دیده شود، می تواند کارکردی روان درمانگرانه نیز داشته باشد. او به مفهوم «کاتارسیس» یا الایش در روان کاوی اشاره می کند: «ما در مواجهه با درام های قدرتمند و در تقایب با شخصیت ها مفهوم همدات پذرداری را تجربه می کنیم. از بعضی شخصیت ها متفر می شویم، از بعضی خوشامان می آید و در نهایت شروع می کنیم به اندیشیدن درباره خودمان. به فکر کردن که الان من کدام یک از این شخصیت ها هستم؟ چرا فلان شخصیت را دوست داشتم؟ چرا از فلان شخصیت تنفر داشتم و این حس ها و سؤال ها باعث می شود به خودمان برگردیم و این روند به نوعی ترائی است. این یعنی سینما می تواند به شکل غیرمستقیم، ما را با خودمان روبه رو کند.» او حتی از تجربه تماشای «پیر پسر» در سالن سینما می گوید: «در چهار باری که فیلم را دیدم، در هر نوبت بالای ۸۰ درصد تماشاگران تا دقایقی بعد از پایان فیلم روی صندلی ها مانده بودند. این به خاطر انرژی حسی عجیبی است که فیلم منتقل می کند. فیلمی که سه ساعت طول می کشد، اما نه خسته می کند و نه تمام می شود. چون در ناخودگاه مخاطب ریشه می دواند.»



از منظر تاریخ شاید دیگر شاید ذکر این نکته هم خالی از لطف نباشد که موسیقی ردیف دستگاهی ایران هم در گذر زمان از تعزیه متاثر شده است. این را حتماً ما به عنوان شنونده نیز بارها و بارها در کرده ایم: زمانی که در حال شنیدن قطعه ای از موسیقی سنتی هستیم و ناگاه احساس می کنیم در حال شنیدن نواپی در رثای بزرگی در کرپلا هستیم. به این مسأله، این نکته را هم بیفزایم که موسیقی تعزیه هرگز در تاریخ چندصدها خود سیری ثابت نداشته است و همچون خود نمایش، دستخوش تغییرات دوره ای شده است. به گفته محمدتقی مسعودیه که مهم ترین کتاب شناخت موسیقی تعزیه را تا به امروز نوشته است، این موسیقی گاه بیشتر به سمت موسیقی ارکسترال غربی رفته است و گاه بیشتر به سمت موسیقی محلی ایران و گاه در میانه و موسیقی سنتی ایران ایستاده است اما پیوسته در آن صدای موسیقی ایرانی، صدای غالب بوده است.

اگر آنقدر خوش شانس باشیم که هنوز بتوانیم صدای تعزیه های ناب را بشنویم یا پای نوا ی تعزیه خوانی ماهر بنشینیم، اتفاقی ست بیامدانی. همین

آن سوی جهان

جورج موریسون درگذشت

جورج موریسون، فیلمساز و مستندساز پیشگام ایرلندی که با ساخت مستند تاریخی «میشا ایره» اولین فیلم بلند به زبان ایرلندی را به جهان معرفی کرد، در سن ۱۰۲ سالگی درگذشت.

جورج موریسون کارگردان پیشگام سینما در سوم نوامبر ۱۹۲۲ در واترфорд ایرلند به دنیا آمد و بیشتر به خاطر فیلم مستند «میشا ایره» شناخته می شود. مادر او بازیگر تئاتر در تئاتر کیت در دوبلین بود، حالی که پدرش به عنوان متخصص بیهوشی عصبی کار می کرد.

موریسون که از دوران نوجوانی به سینما علاقه مند شده بود، تحصیلات پزشکی خود را در کالج ترینیتی رها کرد تا وارد حرفه هنری شود. در سال ۱۹۴۲، او اولین فیلم خود را به نام «دراکولا» کارگردانی و فیلمبرداری کرد که به دلیل کمبود امکانات فیلمبرداری در دوران جنگ جهانی دوم نتوانست کامل شود.

/ **ایسنا**

جیمز کامرون و بمب اتمی!



در حالی که وسواس جیمز کامرون نسبت به مجموعه «آواتار» قصد فروکش کردن ندارد و «آواتار ۳» برای دسامبر ۲۰۲۵ و «آواتار ۴» برای سال ۲۰۲۹ برنامه ریزی شده، این کارگردان قرار است برای یک پروژه بسیار جدی تر یعنی ساخت فیلم «ارواح هیروشیمیا»، این هفته ۴ ساله را در این میان پرکند.

ساخت «ارواح هیر و شیمیا» مدت ها است که مطرح بوده و این فیلم قرار است با اقتباس از کتابی به همین نام نوشته چارلز پلگرینو ساخته شود تا اولین فیلم بلند کامرون غیر از «آواتار» از زمان «تایتانیک» در سال ۱۹۹۷ باشد. در واقع ۳ دهه از زندگی کامرون توسط موجودات فضایی آبی رنگ و پاندورا اشغال شده است.

اکنون کامرون در مصاحبه جدیدی فاش کرده که اگرچه هنوز فیلمنامه را نوشته است اما به «ارواح هیروشیمیا» کاملاً متعهد است و قصد دارد آن را بین «آواتار ۳» و «آواتار ۴» بسازد. کامرون کارگردانی است که برای جابه جایی مرزهای سینمایی شناخته می شود و اکنون قصد دارد با هدف غرق کردن بینندگان در یکی از بزرگ ترین وحشت های تاریخ بازگردد. جای تعجب نیست که او برای این پروژه ساخت سه بعدی را انتخاب کرده است. / **مهر**

انتقاد مجری آمریکایی از گرسنگی مردم غزه



جان اولیور مجری برنامه «هفته گذشته، امشب» که خود کمبدین و شخصیت رسانه ای نیز هست بعد از پخش تصاویر مردم غزه در صف های دریافت غذا گفت: «امیدوار بودم مکان کلی، مجری پیشین شبکه فاکس نیز به عنوان عضوی از جامعه رسانه ای این موضوع را پذیرفته باشد.

در مجموع هم لازم نیست چنین موضوعی را با عکس های متعدد بررسی و پیگیری کرد. او با اشاره به گزارش های سازمان ملل، سازمان های امدادی و حتی گروه های حقوق بشر اسرائیلی یادآور شد که همه این گزارش ها تأیید می کند آنچه اکنون در غزه اتفاق می افتد

اولیور در این برنامه که از سال ۲۰۱۴ از شبکه پولی ای جی او/ HBO هفته ای یکبار پخش می شود، گفت: «تمام اطلاعاتی که دارم به این موضوع اشاره دارد: بجز این چارو (تئانیاهو) و چند کارآگاه جوان چشم لوچ که همه عکس های کودکان را نگاه می کنند تا بفهمند آیا آنها به شکل درستی در حال مرگ هستند یا خیر.» / **ایرنا**